



## Effectiveness of Peace Educational Intervention on Self-Control and Communication Skills of Female Student Teachers

Afzal Akbari Balootbangan<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department, of Psychology and Counselling, Farhangian University, Tehran, Iran. akbariafzal@cfu.ac.ir

### Abstract

The aim of the present study was to determine the effectiveness of peace educational intervention on self-control and communication skills of female student teachers. The present study was conducted using a quasi-experimental method with a pre-test-post-test design and a one-month follow-up with a control group. The statistical population included all female student teachers at Farhangian University of kohgiluyeh and boyer ahmad in the academic year 2024. For this purpose, 30 people were voluntarily selected and randomly assigned to two experimental and control groups. The research tools included the Jarabak Communication Skills Questionnaire (2004) and the Kendall-Wilcoxon Self-Control (1979) which were completed by both groups in three stages: pre-test, post-test, and follow-up. The peace education program was presented to the student teachers in the experimental group in 10 sessions of 60 minutes each for 5 consecutive weeks. Data were analyzed using repeated measures analysis of variance using SPSS version 22 software. The results showed that peace education was effective in female student teachers on self-control ( $F=4.327$  and  $P=0.044$ ) and communication skills ( $F=8.947$  and  $P=0.005$ ) in the post-test and follow-up stages. Finally, based on the results of this study, it can be said that peace education was effective in communication skills and self-control, and therefore, it is necessary for student teachers, professors and other professionals to be aware of these variables.

**Keywords:** Peace Education, Self-Control, Female Student Teachers, Communication Skills.

**Received:**2024/10/16; **Revised:**2024/11/20; **Accepted:**2024/12/15; **Published Online:**2024/12/21

**Cite this article:** Akbari Balootbangan, A. (2025). Effectiveness of Peace Educational Intervention on Self-Control and Communication Skills of Female Student Teacher. *Interdisciplinary Studies in Education*. 3(4), p.35-54.

<https://doi.org/10.22034/ISE.2025.17926.1158>



## اثربخشی آموزش صلح بر خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی دانشجومعلم‌ان دختر

افضل اکبری بلوط‌بنگان<sup>۱</sup>

۱. استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. [akbariafzal@cfu.ac.ir](mailto:akbariafzal@cfu.ac.ir)

### چکیده:

هدف پژوهش حاضر اثربخشی آموزشی صلح بر خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی دانشجومعلم‌ان دختر بود. پژوهش حاضر به روش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری یک‌ماهه با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجومعلم‌ان دختر دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. بدین منظور، ۳۰ نفر به صورت داوطلبانه انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل به طور تصادفی گمارده شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه مهارت‌های ارتباطی جرابک (۲۰۰۴) و خودکنترلی کندال - ویلکاکسون<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) بود که در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری توسط هر دو گروه تکمیل شد. برنامه آموزش صلح طی ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای و در مدت ۵ هفته متوالی به دانشجومعلم‌ان گروه آزمایش ارائه شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر به کمک نرم‌افزار اسپاس پی‌اس نسخه ۲۲ تحلیل شد. نتایج نشان داد آموزش صلح در دانشجومعلم‌ان دختر بر خودکنترلی ( $F=4/327$ ) و مهارت‌های ارتباطی ( $P=0/044$  و  $F=8/947$  و  $P=0/005$ ) در مراحل پس‌آزمون و پیگیری اثربخش بود؛ در نهایت، براساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت آموزش صلح در مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی اثربخش بوده است و در نتیجه آگاهی دانشجومعلم‌ان، استادان و سایر متخصصان از این متغیرها ضروری است.

**واژگان کلیدی:** آموزش صلح، خودکنترلی، دانشجومعلم‌ان دختر، مهارت‌های ارتباطی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۵؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۱  
استناد به این مقاله: اکبری بلوط‌بنگان، افضل. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش صلح بر خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی دانشجومعلم‌ان دختر. مطالعات بین‌رشته‌ای در آموزش. ۳(۴)، ص ۳۵-۵۴.  
<https://doi.org/10.22034/ISE.2025.17926.1158>

## مقدمه

پس از موفقیت در کنکور، دانشگاه در کنار خانواده مهم‌ترین نهادی است که دانشجویان در آن رشد می‌کنند و مورد حمایت قرار می‌گیرند. هر اندازه روابط بین افراد در دانشگاه دوستانه و صمیمانه باشد، در سال‌های بعد، مشکلات ارتباطی<sup>۱</sup> و رفتاری کمتر و احساس تعلق<sup>۲</sup> و امنیت روانی<sup>۳</sup> بیشتری خواهند داشت (Jaiswal & Choudhuri, 2017)؛ از این رو، پرداختن به متغیرهای مرتبط با حوزه تربیتی در دانشجویان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. یکی از متغیرهایی که در این پژوهش به‌عنوان متغیر کلیدی در دانشجویان بررسی شد، خودکنترلی<sup>۴</sup> است که در واقع همان مدیریت خویش است. با توجه به این توانایی، فرد می‌تواند بر نفس خویش لگام زند و از انحرافات اخلاقی و اشتباهات نفسانی و جرائم اجتماعی دوری کند و به این نحو، به سمت کمال انسانی که هدف اصلی زندگی است، رهنمون شود (دریساوی و فقیهی، ۱۳۹۲). خودکنترلی توانایی روان‌شناختی پویایی است که میزان توانایی در آن می‌تواند در طول زمان و از طریق تمرین‌های آگاهانه تغییر کند (Pirutinsky, 2014). خودکنترلی ایجاد حالتی است در درون فرد که او را به انجام وظایفش متمایل می‌سازد، بدون آنکه عامل خارجی آن را تحت کنترل داشته باشد (Gillebaart, 2018)؛ همچنین مایر و سالووری (۲۰۰۳) خودکنترلی را به‌عنوان کاربرد صحیح هیجان‌ها معرفی می‌کنند و اعتقاد دارند که قدرت تنظیم هیجان‌ها موجب افزایش ظرفیت فرد برای اضطراب، افسردگی، تسکین خود و ناملایمات می‌شود؛ بنابراین، این پژوهشگران عقیده دارند که خودکنترلی به‌معنای سرکوب احساسات و هیجان‌ها نیست؛ بلکه خودکنترلی یعنی اینکه انتخاب چگونگی ابراز احساساتمان در دست ماست (Mayer, Caruso & Salovey, 2016).

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد فراگیران با خودکنترلی بیشتر به این اعتقاد می‌رسند که با توانایی‌های خود برای مقابله با رویدادها آماده شده‌اند و این اعمال و رفتار آنهاست که

1. communication problems
2. sense of belonging
3. psychological security
4. self-control

باعث به وجود آمدن رخدادهای زندگی می‌شود؛ نه وقایع تصادفی و اشخاص دیگر؛ بنابراین خود این مسئله انگیزه درونی می‌شود برای رسیدن به اهداف تحصیلی و ایجاد رفتار مناسب و مثبت (تاجیکی و صفروپور دهکردی، ۱۳۹۷).

برای برخورداری از رفاه اجتماعی، خودکنترلی یکی از اجزای مهم و حائز اهمیت به حساب می‌آید که فرصت مهار احساسات، تصمیم‌گیری درست و واکنش‌ها را برای فرد فراهم می‌کند. دانشجویان زمان بسیار زیادی در دانشگاه حضور دارند و با توجه به نظر بسیاری از دانشمندان، دانشگاه عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد است. دانشگاه در حکم جامعه‌ای کوچک است و از افرادی تشکیل شده که دارای فرهنگ‌ها و شخصیت‌های متفاوت هستند؛ بنابراین، دانشگاه تأثیر بسزایی بر پرورش و آموزش خودکنترلی دانشجومعلمان و در نتیجه جامعه دارد (Mei et al, 2016).

به عقیده پژوهشگران، خودکنترلی از سه مرحله تشکیل شده است که در آن فراگیران به منبع کنترل درونی می‌رسند. این سه مرحله عبارتند از اداره رفتار دانشجویان در کلاس از طریق استاد، تغییر کنترل از شیوه مرحله یک به خود دانشجو و آموزش شیوه‌ها، حل مسئله و آموزش خودتعلیمی به دانشجویان (صابری نیک و گل‌مکانی، ۱۳۹۷).

یکی دیگر از متغیرهایی که در این مطالعه به عنوان متغیر وابسته در دانشجومعلمان بررسی شد، مهارت‌های ارتباطی<sup>۱</sup> است. انسان موجودی اجتماعی است که برای حیات زندگی درست نیاز به تعامل اجتماعی دارد و اگر این تعامل‌ها در جریان درست رفتاری قرار نگیرد، فرد در طول سال‌های زندگی خود دچار مشکلات متعدد خواهد شد (Çetin, 2023). مهارت ارتباطی به رفتارهایی گفته می‌شود که به فرد کمک می‌کند عواطف و احساسات و نیازهای خود را درست بیان کند و به هدف‌های خود دست یابد. مهارت‌های ارتباطی چنان حائز اهمیت هستند که افراد فاقد آن، احساس بدی نسبت به خود دارند که همین امر موجب گوشه‌گیری، اضطراب اجتماعی، افسردگی، تنهایی، پایین آمدن اعتماد به نفس و در نهایت شکست تحصیلی و شغلی آنها می‌شود (بنی‌اسدی، پورشافعی و عباسی، ۱۳۹۸). یکی از جنبه‌های اجتماعی شدن برقراری ارتباط سالم با دیگران است که این مورد موجب می‌شود انسان علاوه بر برآورده شدن نیازهای خود بتواند نقش سازنده‌ای در جامعه ایفا کند (Lee, Ng, & Bull, 2018).

مهم‌ترین شرط برقراری ارتباط داشتن تعامل و مهارت برقراری ارتباط با افراد مختلف است. اهمیت مهارت ارتباط در زندگی به اندازه‌ای است که برخی از صاحب‌نظران پایه تمام رشد انسانی، پیشرفت بشری، آسیب‌های فردی را در فرایند ارتباط می‌دانند (محمدی و علی‌نژاد، ۱۳۹۶). مهارت‌های ارتباطی به رفتار و عملی اطلاق می‌شود که شخص توانایی آن را دارد که در ارتباط با دیگران در آنها پاسخ مثبت ایجاد کند و مانع ایجاد پاسخ منفی شود (نیکنامی و دیگران، ۱۳۹۰)؛ بنابراین توانایی برقراری ارتباط، مهارت اساسی برای انسان است که بعضی از افراد نسبت به دیگران در این زمینه تبحر بیشتری دارند، اما کسب این مهارت نیازمند آموزش و تعلیم است و اگر شخصی در ارتباط با دیگران توانمند باشد، به این معنا نیست که نیازمند آموزش در سطح پیشرفته این مهارت نیست (محمدی و علی‌نژاد، ۱۳۹۶).

یکی از مهم‌ترین آموزش‌هایی که امروزه باید در مراکز آموزشی مانند دانشگاه، در میان فرهنگ‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد، آموزش صلح<sup>۱</sup> است (شمشیری و اسدی، ۱۳۹۸). صلح عبارت است از وضعیتی روانی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و معنوی که در سطح فردی، بین فردی، بین گروهی و جهانی زندگی بشر آشکار می‌شود و محصول نهایی انتقال انسان‌ها از خودمحوری، خودخواهی و تمایلات ستیزه‌جویانه و دوگانه (خودی و غیرخودی) به وضعیت جهانی و فراگیر آگاهی از وحدت و یگانگی بنیادی بشر و ارتباط با تمام بشریت و درحقیقت ارتباط با تمامی زندگی است (زمانی کوخالو، سپاه‌منصور و ابوالمعالی، ۱۴۰۰). ایجاد فرهنگ صلح در محیط‌های آموزشی مانند دانشگاه به‌سادگی نیست و از کودکی شروع می‌شود و در مدارس و دانشگاه‌ها، مربیان و استادان می‌بایست تلاش کنند که این فرهنگ را در کلاس‌های درس خود به وجود آورند و تعلیم دهند و فراگیران هم می‌بایست مسئولیت رشد خود را به عهده بگیرند. وقتی ما از آموزش صلح صحبت می‌کنیم، منظورمان آموزش مهارت‌های ارتباطی و نگرش‌هایی برای همدلی و بیان احساسات و نگرانی‌های خود به روشی محترمانه، احترام به تنوع عقاید و مذاهب، همکاری مشترک و حل درگیری مسالمت‌آمیز است (Kester, 2023).

به‌عبارتی می‌توان گفت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نقش بی‌بدیلی در توسعه فرهنگ صلح و همزیستی دارند. دانشگاه‌ها برای توسعه برنامه درسی، پژوهش و خدمات فرصت‌های استثنایی در اختیار دارند که آنها را قادر می‌سازد رسیدن به صلح جهانی را

تحقق بخشند؛ بنابراین، دانشگاه‌ها نه تنها باید دانش و مهارت‌های نوآورانه‌ای را برای دنیای کنونی و آینده ارائه دهند، بلکه با توجه به تعهد آنها برای استقرار صلح، دفاع از حقوق بشر و ارزش‌های مردم‌سالارانه به آموزش اخلاقی دانشجویان و شهروندان نیز اهتمام ورزند. پس جایگاه و اهمیت این مراکز تنها تربیت نیروی متخصص در حیطه‌های تخصصی و شناختی نیست؛ بلکه جستجو و دفاع از حقیقت، کمک به یادگیری انواع صلاحیت‌های زیستی، توانایی‌ها و مهارت‌های مطلوب زندگی، بهبود کیفیت زندگی، تقویت مهارت‌های زندگی با دیگران، رشد تساهل و مدارا، آموزش صلح‌دوستی و چگونگی زندگی با مخالفان، رشد احساس مسئولیت اجتماعی، چگونگی رعایت حقوق دیگران و مواردی از این دست نیز از جمله وظایف آنان است (مرزوقی و دیگران، ۱۳۹۶).

آموزش برای صلح باید برای تمامی بخش‌ها و در تمامی ابعاد محیط‌های آموزشی اعم از فراگیران، معلمان، دانشجویان و استادان دانشگاه صورت گیرد. سازمان یونسکو آموزش صلح را به صورت جهانی مطرح کرده است و معتقد است که تمام انسان‌ها در کره زمین نیازمند به صلح هستند و باید به صلح فکر کنند و راه‌های تعلیم آن را بیابند (حاجی‌زاده و کرمی، ۱۳۹۳). دانشجو معلمان نقش مهمی در موفقیت اجرای آموزش صلح در برنامه‌های درسی دارند. آنها باید فرصت‌هایی را برای کسب مهارت‌های ارتباطی و درک موقعیت‌های خودکنترلی به صورت اضطراری ایجاد کنند و سپس این راه‌حل‌های صلح‌آمیز را به جای اعمال خشونت‌آمیز و رقابت‌های نادرست آموزش دهند. دانشجو معلمان با دریافت این مهارت‌ها یاد می‌گیرند که گوش بسپارند و از آزادی بیان و تنوع فرهنگ‌ها و مذاهب دفاع کنند و برای گفت‌و شنود بدون تعصب آماده باشند و همدلی و مشارکت را با رعایت اصول حقوق بشر و صلح ترویج دهند؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش اثربخشی آموزش صلح بر مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی در دانشجو معلمان است.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی چند به بررسی آموزش صلح پرداخته‌اند. زمانی کوخالو، سپاه‌منصور و ابوالمعالی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای که با عنوان اثربخشی آموزش صلح بر شایستگی تحصیلی و جهت‌گیری مثبت فراگیران نسبت به مدرسه انجام داده‌اند، به این نتایج دست یافتند که آموزش صلح در رشد شایستگی تحصیلی فراگیران در مؤلفه‌های (مهارت‌های تحصیلی و توانمندسازی تحصیلی) و جهت‌گیری مثبت فراگیران در مؤلفه نگرش نسبت به

همکلاسی‌ها، تأثیر مثبت داشته است و این تأثیر پس از مرحله پیگیری پایدار مانده است. رستمی و دیگران (۱۴۰۰) با عنوان اثربخشی آموزش صلح بر سرمایه روان‌شناختی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول پرداختند، به این نتایج دست یافتند که اجرای آموزش صلح بر هر ۴ مؤلفه سرمایه روان‌شناختی بین دو گروه تفاوت معنی‌داری ایجاد کرد و این آموزش در گروه آزمایش اثربخش بود. پژوهش کاظم‌پور و باباپور و اجاری (۱۳۹۶) با عنوان تأثیر آموزش صلح بر مسئولیت‌پذیری فراگیران، نتایج نشان داد که آموزش صلح باعث افزایش مسئولیت‌پذیری فراگیران شد.

نتایج پژوهش برانیس<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) تحت عنوان اثربخشی آموزش صلح بر رفتارهای اجتماعی کودکان نشان داد آموزش صلح در ارتقای رفتارهای اجتماعی کودکان مؤثر است؛ همچنین اوکو، تورنوکلو و توتن<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان ترویج آموزش صلح برای ایجاد تغییرات رفتاری در مدارس متوسطه به این نتایج دست یافتند که رابطه مثبتی بین ترویج آموزش صلح و تغییرات رفتاری به‌سوی مهار خشونت، پرخاشگری و درگیری در میان فراگیران وجود دارد. افزون بر آن در مطالعه‌ای که ساگاکل، تورنوکلو و توتن<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) تحت عنوان اثربخشی آموزش صلح بر میزان همدلی دانش‌آموزان مدارس ترکیه انجام دادند به این نتایج دست یافتند که آموزش صلح موجب افزایش همدلی در بین فراگیران می‌شود.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است. طرح پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با پیگیری یک‌ماهه با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجوی معلمان دختر دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ دربر می‌گرفت. تعداد ۳۰ نفر از دانشجوی معلمان دختر به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) گمارده شدند. نحوه انتخاب گروه به این صورت بود که پس از مصاحبه با دانشجوی معلمان، دانشجویانی که از مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی ضعیفی برخوردار بودند شناسایی شدند. تعداد ۳۳ دانشجوی معلم بر اساس خودگزارش‌دهی و مصاحبه و همچنین ملاک‌های

1. Brauneis

2. Uko, Turnuklu & Totan

3. Sagkal, Turnuklu & Totan

ورود (رضایت آگاهانه از مشارکت در پژوهش، جنسیت دختر، تحصیل در دانشگاه فرهنگیان، پاسخ دادن به تمام سؤالات پرسش‌نامه‌ها، نداشتن خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی براساس مصاحبه و خودگزارش‌دهی) و ملاک‌های خروج (غیبت در بیش از ۳ جلسه و شرکت هم‌زمان در جلسات مشاوره و روان‌درمانی دیگر)، شرایط پژوهش را داشتند.

پس از گمارش تصادفی اعضا در گروه‌ها، به‌طور تصادفی تعیین شد که برنامه آموزش صلح بر روی کدام گروه اجرا شود. روش اجرا به این صورت بود که ابتدا پرسش‌نامه‌های خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی در بین اعضای نمونه اجرا شد (پیش‌آزمون)؛ سپس برنامه آموزشی صلح در ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای در طی دو هفته متوالی بر روی گروه آزمایش اجرا شد. پس از انجام مداخله، پس‌آزمون از گروه‌ها گرفته شد و بعد از یک ماه پیگیری بین گروه‌ها صورت گرفت. محرمانه بودن اطلاعات دریافت‌شده، کسب و جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان پژوهش، انتشار ندادن اطلاعات شرکت‌کنندگان به دیگران و ایجاد جوی صمیمی و اطمینان‌بخش از جمله ملاحظات اخلاقی بود که مورد بررسی قرار گرفت؛ درنهایت پس از جمع‌آوری اطلاعات، به‌منظور تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی با روش تحلیل واریانس چندمتغیری اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. داده‌های به‌دست آمده از پرسش‌نامه‌ها به‌وسیله نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس، نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از برنامه آموزشی و پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شده است.

### برنامه آموزشی صلح

این برنامه شامل آموزش مجموعه‌ای از تکنیک‌ها است که مریمان و دانش‌جومعلمان از آنها در جهت آموزش صلح استفاده می‌کنند. این برنامه برگرفته از کتاب «یادگیری زندگی باهم» بود که توسط ابوالمعالی، رستمی و بوستان (۱۳۹۵) تهیه و طراحی شد. ابوالمعالی، رستمی و بوستان (۱۳۹۵) به‌منظور روایی پروتکل از شاخص روایی محتوایی سی‌وی‌آر<sup>۱</sup> استفاده کردند؛ به این معنی که جهت محاسبه نسبت سی‌وی‌آر از نظرات ۱۰ نفر از کارشناسان متخصص در زمینه محتوای برنامه آموزشی موردنظر استفاده شد و با توضیح



اهداف آموزشی برای آنها و ارائه تعاریف عملیاتی مربوط به محتوای جلسات، از آنها خواسته شد تا هریک از موضوعات را براساس طیف سه‌بخشی لیکرت **مطلب ضروری** است، **مطلب مفید است**؛ **ولی ضروری نیست** و **مطلب ضرورتی ندارد** طبقه‌بندی کردند و حداقل مقدار سی‌وی‌آر قابل قبول ۰/۶۲ به دست آمد. خلاصه برنامه آموزش صلح به شرح زیر تهیه شده است.

جدول شماره ۱: خلاصه برنامه آموزش صلح

جلسات آموزش صلح	هدف	تکالیف
<b>جلسه اول:</b> درخت زندگی من	فکر کردن در مورد هویت خود و هویت دیگران و درنهایت رسیدن به تفاوت‌ها و شباهت‌های بین افراد	کشیدن درخت و نوشتن اطلاعاتی که به ترتیب اولویت دوست دارد و برایش مهم است از ریشه به برگ
<b>جلسه دوم:</b> من به چه چیزی اعتقاد دارم	دفاع کردن از آنچه که به آن اعتقاد دارند و تفاوت بین نظرات آنان با نظرات دیگران	کشیدن خطی در وسط اتاق و بعد بیان یک سری عبارت و با موافق بودن و نبودن خود در یک سمت خط قرار می‌گیرند و درنهایت می‌بینند که چند نفر با نظر آنان موافق هستند و چند نفر مخالف هستند و با یکدیگر به گفتگو می‌پردازند.
<b>جلسه سوم:</b> تصویر شما مال من است	کمک به شرکت‌کنندگان برای درک و مشارکت ادراکات افراد دیگر	کشیدن ابعاد شکل خود و نوشتن هر فکری در قسمت اعضاء بدن. روی سر: یک فکر، روی قلب: یک احساس، روی معده: یک نیاز. روی دستان: تمایل انجام دادن کاری، روی پاها: فعالیتی که دوست دارند: حال هر دو نفر تفاوت‌های خود را با دیگری عوض کنند؛ هر کدام باید نظر شخص مقابل را در نظر بگیرد و فکر کند.
<b>جلسه چهارم:</b> میزگرد	بحث و یادگیری درباره اهمیت موضوعات و تعارض‌ها و نشستن در مکانی که همه در آن مساوی هستند.	نشستن در کنار هم به صورتی که کاملاً یکدیگر را ببینند و بحث در مورد یک موضوعی که آمادگی دارند.
<b>جلسه پنجم:</b> مقایسه کردن	کشف شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین مکان‌ها، مذاهب، فرهنگ‌ها و اینکه چقدر لازم و ضروری است که درباره عقاید دیگران بدانیم و آنها را درک کنیم و احترام بگذاریم.	از شرکت‌کنندگان درخواست شد که تحقیقی درباره ویژگی‌های مذاهب اعم از مکان، آداب و رسوم، نوع لباس پوشیدن، کاری که افراد انجام می‌دهند صورت گیرد و سپس با یکدیگر اطلاعات را بیان نمایند.
<b>جلسه ششم:</b> مشارکت در تجارب شخصی	ایجاد امکاناتی برای شرکت‌کنندگان تا از معنویت دیگران یاد بگیرند و در مورد باورهای خودشان نتیجه‌گیری کنند.	پرسیدن سؤالاتی که به احساس‌ها و نیازهای آنان برمی‌گردد که در شرایط مختلف زندگی با آن برخورد دارند؛ بعد از دادن زمان مناسب، از آنها خواسته شد در مورد احساس خود پاسخ دهند؛ البته این پاسخ‌دهی اختیاری است.
<b>جلسه هفتم:</b>	تفکر بر روی اثر کلی فقدان درک	ابتدا دستورالعمل ساخت درنای کاغذی، که نماد صلح برای

جلسات آموزش صلح	هدف	تکالیف
هزار درنای کاغذی	متقابل و ایجاد نماد عینی صلح	کودکان است، برای آنها فرستاده شد و سپس داستان ساداکوی ژاپنی، که نمادی بین‌المللی از صلح و دوستی است، تعریف گردید.
جلسه هشتم: داستان بابی	کشف ارزش هر شخص از طریق بررسی خود درونی‌اش و دیگران و ارزش قائل شدن برای خود و دیگران بدون توجه به نقاط قوت یا ضعف و متمرکز نشدن روی ظاهر افراد.	تعریف داستان بابی که از نظر ظاهر زیبا نبوده و دارای اضافه‌وزن بوده و همیشه آشفته بود و همیشه در مدرسه تنها بوده است.
جلسه نهم: معماها	یادگیری اهمیت تصمیم‌گیری مبتنی بر اصول اخلاقی	تعریف معمایی اخلاقی و بحث و گفت‌وگو درباره اینکه راه‌حل درست چه است؛ مانند داستان معروف مردی که زن او دچار بیماری سرطان است و قدرت خرید دارو را از داروخانه ندارد و مجبور به دزدی شبانه دارو می‌گردد.
جلسه دهم: اخبار صلح و دوستی و نقاشی کردن تی‌شرت‌ها	بیان راه‌حلی از جانب شرکت‌کنندگان برای مواردی که فقدان احترام و درک بین افراد وجود دارد درگیر کردن شرکت‌کنندگان در فعالیتی که به آنان کمک می‌کند که در مورد هویت خودشان تفکر کنند.	کارت خبری برای آنان خوانده شد که ناتمام می‌ماند و در آخر شرکت‌کنندگان می‌بایست راه‌حلی را ارائه دهند که بتواند در عنوان خبری تلویزیون مطرح گردد. در جلسه آخر این فعالیت نیز انجام شد که نشان داده شود آموزش‌های صلح چقدر بر روی هویت آنها مؤثر بوده است.

**پرسش‌نامه مهارت‌های ارتباطی:** این پرسش‌نامه توسط جرابک (۲۰۰۴) طراحی شد و هدف آن بررسی میزان مهارت ارتباطی است. پرسش‌نامه دارای ۳۴ ماده است که پاسخگویی به آنها مستلزم استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱=هرگز تا ۵=همیشه) است که به ترتیب: هرگز=۱، به ندرت=۲، گهگاهی=۳، اکثر اوقات=۴ و همیشه=۵ است. حداقل نمره برای این پرسش‌نامه ۳۴ و حداکثر نمره ۱۷۰ است. نمره کل پرسش‌نامه از حاصل جمع همه سؤالات به دست می‌آید. تدوین‌کنندگان برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از روش همسانی درونی به کمک آلفای کرونباخ استفاده کردند که این میزان ۰/۷۵ به دست آمد. حسین چاری و فداکار در سال ۱۳۸۴ این پرسش‌نامه را در پژوهش خود استفاده کردند. آنها میزان پایایی پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ (۰/۷۱) و با روش دونیمه کردن (۰/۶۹) گزارش کردند که نشان از پایایی مطلوب این پرسش‌نامه در نمونه ایرانی

است. ازسویی، میزان پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر به روش آلفای کرونباخ  $0/69$  به‌دست آمد که تقریباً رضایت‌بخش است.

**پرسش‌نامه خودکنترلی:** این مقیاس توسط کندال و ویلکاکسون (۱۹۷۹)، ساخته شده و شامل ۳۳ سؤال و ۳ مؤلفه خودکنترلی (۱۰ سؤال)، تکانش‌گری (۱۳ سؤال) و تلفیقی از هر دو مؤلفه قبل (۱۰ سؤال) است؛ درعین‌حال، نمره کلی به‌دست آمده از این مقیاس بیانگر میزان خودکنترلی است. نمره‌گذاری به‌صورت مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای است. به این ترتیب که نمره یک از سؤالات مثبت نشان‌دهنده بیشینه خودکنترلی و نمره ۷ نشان‌دهنده کمینه خودکنترلی است. این شیوه نمره‌گذاری در سؤالات معکوس کاملاً برعکس است. پایایی این پرسش‌نامه در نمونه خارجی، در پژوهش کندال و ویلکاکسون (۱۹۷۹) به روش بازآزمایی  $0/84$  گزارش شده است؛ همچنین این ابزار در ایران توسط همتی علمدارلو (۱۳۸۳) مورد استفاده قرار گرفت و ضریب پایایی این پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ  $0/98$  و روش بازآزمایی  $0/84$  به دست آمد. در مطالعه حاضر برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که این میزان  $0/75$  به‌دست آمد.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ۳۰ نفر دانشجو معلم دختر در دامنه سنی ۱۸ تا ۲۱ سال شرکت داشتند. همه افراد شرکت‌کننده در این پژوهش دختر و در رشته‌های آموزش ابتدایی (۱۳ نفر)، امور تربیتی (۹ نفر) و کودکان با نیازهای ویژه (۸ نفر) مشغول به تحصیل بودند. میانگین و انحراف معیار سن گروه آزمایش  $19/56 \pm 1/27$ ، گروه کنترل  $19/44 \pm 1/38$  و برای کل نمونه  $19/51 \pm 1/34$  به‌دست آمد؛ همچنین یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
خودکنترلی	آزمایش	۱۱۷/۴۰	۱۸/۰۱	۱۴۰/۹۳	۲۷/۰۷	۲۸/۷۲
	کنترل	۱۱۸/۶۰	۳۱/۱۸	۱۱۹/۸۷	۱۹/۸۱	۱۷/۴۷
مهارت‌های ارتباطی	آزمایش	۱۲۱/۳۳	۱۳/۴۲	۱۴۲/۸۷	۹/۳۹	۸/۴۸
	کنترل	۱۲۱/۸۰	۱۳/۶۸	۱۲۲/۱۳	۱۴/۰۴	۱۴/۰۲

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. افزون بر آن، در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل واریانس چندمتغیری اندازه‌گیری مکرر استفاده شد؛ بنابراین، قبل از انجام تحلیل، مفروضات آزمون مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور بررسی یکسانی ماتریس‌های کواریانس از آزمون ام‌باکس استفاده شد. نتایج حاکی از برقراری این مفروضه بود ( $M=37/047$  باکس،  $P=0/131$  و  $F=1/351$ ). برای بررسی مفروضه کرویت از آزمون موجلی استفاده شد که نتایج نشان داد این مفروضه برای متغیر خودکنترلی ( $p=0/001$  و  $W=0/028$  موجلی) و مهارت‌های ارتباطی ( $p=0/001$  و  $W=0/026$  موجلی) برقرار نبود؛ با این حال می‌توان مفروضه کرویت را پذیرفت و برای مقایسه‌ها از اندازه اثر پیلایی و مقادیر تصحیح شده هوین‌فلت استفاده نمود.

به‌منظور بررسی واریانس‌های خطای متغیر زمان در مراحل مختلف ارزیابی از آزمون لون استفاده شد. نتایج آزمون لون برای متغیر خودکنترلی در دو مرحله پس‌آزمون ( $F_{(28, 1)}=4/960$  و  $p=0/034$ ) و پیگیری ( $F_{(28, 1)}=7/625$  و  $p=0/010$ ) برقرار نبود. این در حالی بود که برای پیش‌آزمون خودکنترلی ( $F_{(28, 1)}=2/688$  و  $p=0/112$ )، پیش‌آزمون ( $F_{(28, 1)}=0/198$  و  $p=0/659$ )، پس‌آزمون ( $F_{(28, 1)}=2/833$  و  $p=0/103$ ) و پیگیری ( $F_{(28, 1)}=3/787$  و  $p=0/062$ ) متغیر مهارت‌های ارتباطی برقرار بود؛ از این رو، با توجه به برقراری مفروضات تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر، در ادامه نتایج حاصل از این آزمون ارائه شده است.

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری برای خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی

آزمون	منبع	اثر پیلایی	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معنی‌داری	مجدوراتا
بین‌آزمودنی	گروه	۰/۴۸۶	۱۲/۷۶۳	۲	۲۷	۰/۰۰۱	۰/۴۸۶
درون	زمان	۰/۷۱۳	۱۵/۵۶۳	۴	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۷۱۳
آزمودنی	زمان * گروه	۰/۳۹۴	۴/۰۵۸	۴	۲۵	۰/۰۱۱	۰/۳۹۴

نتایج ارائه‌شده در جدول فوق نشان می‌دهد با توجه به میزان F و سطح معنی‌داری، اثر بین‌گروهی گروه ( $F_{(27, 2)}=12/763$  و  $p=0/001$ ) و اثر پیلایی) و درون‌گروهی زمان ( $F_{(25, 4)}=15/563$  و  $p=0/001$ ) و تعامل زمان و گروه ( $p=0/011$ )،  $F_{(25, 4)}=4/058$  و  $p=0/0394$ ) اثر پیلایی) معنی‌دار است. پس از بررسی نتایج فوق، اثر تعامل

نیز با آزمون‌های پیگیری تک‌متغیری بررسی شد که نتایج در جدول زیر گزارش شده است.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تک‌متغیری هوبن‌فلت در مورد اثر زمان و اثر تعاملی زمان و گروه برای خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی

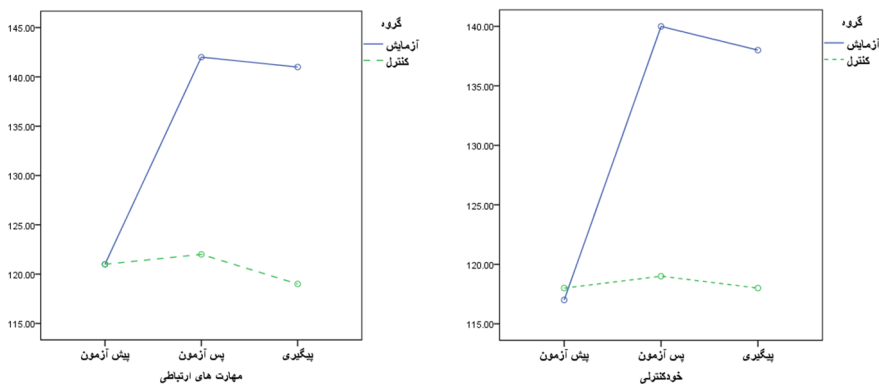
متغیر	منبع	مجموع مجزورات	Df	میانگین مجزورات	F	معنی‌داری	مجزوراتا
خودکنترلی	زمان	۲۶۳۱/۷۵۶	۱/۰۵۳	۲۴۹۸/۳۶۲	۴/۷۱۷	۰/۰۳۶	۰/۱۴۴
	زمان*گروه	۲۴۱۴/۰۲۲	۱/۰۵۳	۲۲۹۱/۶۶۵	۴/۳۲۷	۰/۰۴۴	۰/۱۳۴
مهارت‌های ارتباطی	زمان	۲۰۴۷/۴۸۹	۱/۰۵۲	۱۹۴۶/۰۰۷	۷/۹۲۱	۰/۰۰۸	۰/۲۲۱
	زمان*گروه	۱۳۱۲/۶۰۰	۱/۰۵۲	۲۱۹۷/۹۷۹	۸/۹۴۷	۰/۰۰۵	۰/۲۴۲

نتایج آزمون‌های تک‌متغیری در جدول فوق در مورد اثر زمان و تعامل زمان و گروه حاکی از آن است که این میزان برای هر دو متغیر خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی برقرار است. نتایج مربوط به بررسی مقایسه زوجی اثر تعاملی زمان و گروه در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۵: نتایج مقایسه زوجی اثر تعاملی زمان و گروه برای خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی

متغیر	آزمون	گروه	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	معنی‌داری
خودکنترلی	پیش‌آزمون	آزمایش کنترل	۱/۲۰	۹/۳۰	۰/۸۹۸
	پس‌آزمون	آزمایش کنترل	۲۱/۰۷	۸/۶۶	۰/۰۲۲
	پیگیری	آزمایش کنترل	۲۰/۴۷	۸/۲۴	۰/۰۱۹
مهارت‌های ارتباطی	پیش‌آزمون	آزمایش کنترل	۰/۴۶۷	۴/۹۵	۰/۹۲۶
	پس‌آزمون	آزمایش کنترل	۲۰/۷۳	۴/۳۶	۰/۰۰۱
	پیگیری	آزمایش کنترل	۲۱/۳۳	۴/۲۳	۰/۰۰۱

نتایج ارائه شده در جدول فوق بیانگر این بوده که در نمرات پیش‌آزمون، بین هر دو متغیر خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود نداشت؛ این در حالی بود که در نمرات پس‌آزمون و پیگیری این متغیرها بین دو گروه تفاوت معنی‌داری به‌دست آمده است که حاکی از اثربخشی آموزش صلح بر خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی دانشجومعلم‌ان بوده است. نمودارهای زیر میانگین دو گروه را در سه مرحله ارزیابی خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی دانشجومعلم‌ان دختر نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۱: میانگین‌های خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی در سه مرحله ارزیابی برای دو گروه

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش اثربخشی آموزش صلح بر مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی دانشجومعلمان دختر بود. یافته اول این مطالعه نشان داد که آموزش صلح بر خودکنترلی دانشجومعلمان اثربخش بوده و باعث افزایش خودکنترلی دانشجومعلمان شده است. تاکنون پژوهشی که به بررسی اثربخشی آموزش صلح بر خودکنترلی دانشجومعلمان دختر پرداخته باشد، صورت نگرفته است؛ ولی این یافته به صورت کلی قابل مقایسه با نتایج پژوهش‌هایی است که تأثیر آموزش صلح را بر روی متغیرهای مختلف دیگر مورد بررسی قرار دادند؛ به عبارت دیگر، یافته‌های این پژوهش به صورت غیرمستقیم با نتایج پژوهش‌های زمانی کوخالو، سپاه‌منصور و ابوالعالی (۱۴۰۰)، رستمی و دیگران (۱۴۰۰)، اوکو، تورنوکلو و توتن (۲۰۱۵) و ساگاکل، تورنوکلو و توتن (۲۰۱۲) همسو بود.

یک تبیین در این مورد می‌تواند این باشد که هدفی که در خودکنترلی دنبال می‌شود ارائه شخصیتی سالم است که به بلوغ فکری رسیده است و در برابر انواع مشکلات مقاومت نشان می‌دهد و خود با بینش درست عامل آن را انتخاب می‌کند و علاوه بر محیط کار در زندگی شغلی نیز خودکنترل می‌شود و این ممکن نخواهد بود مگر زمانی که بسترهای مناسب فراهم شود تا خودکنترلی نهادینه شود. در تبیین افزایش خودکنترلی در نتیجه آموزش صلح، در این پژوهش می‌توان به آموزش مناظره و میزگرد اشاره کرد که به دانشجومعلمان اجازه می‌دهد که تعارض‌ها و بی‌عدالتی‌ها را از دیدگاه‌های مختلف بشناسند و به‌شکلی سازنده و منعطف، با افکار انتقادی و به دور از خشم و عدم درک افراد



مقابل در محیطی کاملاً کنترل شده از درون وارد بحث گردند.

در تبیین دیگری از این یافته می‌توان گفت با توجه به بسته‌های آموزشی صلح که در این پژوهش اجرا شد، تحت عنوان هویت، احترام به عقاید خود و دیگران و درک موقعیت‌ها و نظرات، نتایج بسیار شایان توجهی در بحث و گفت‌وگو با دانشجومعلم‌ان دختر در این زمینه ایجاد گردید که با رسیدن به صلح و اهمیت دادن به هویت منجر به ایجاد مهارت ارتباطی با دوستان شدند؛ در صورتی که که هنگامی که در ابتدای جلسات دانشجویی بودند، از مشارکت در بحث‌ها خودداری می‌کردند؛ ولی در جلسات پایانی به احترامی که به نظرات خود می‌گذاشتند به راحتی در بحث‌ها شرکت می‌کردند.

یافته دیگر این مطالعه نشان داد آموزش صلح بر مهارت‌های ارتباطی دانشجومعلم‌ان دختر اثربخش بود. تاکنون پژوهشی که به بررسی اثربخشی آموزش صلح بر مهارت‌های ارتباطی دانشجومعلم‌ان دختر پرداخته باشد، صورت نگرفته است؛ ولی این یافته به صورت کلی قابل مقایسه با نتایج پژوهش‌هایی است که تأثیر آموزش صلح را بر روی متغیرهای مختلف دیگر مورد بررسی قرار دادند؛ به عبارتی، یافته‌های این پژوهش به صورت غیرمستقیم با نتایج پژوهش‌های کاظم پور و باباپور و اجاری (۱۳۹۶)، محمدی و دیگران (۱۳۹۵) و برانیس (۲۰۱۹) همسو بود.

از سویی، پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور، در ارتباط با تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سلامت اجتماعی و روانی افراد، نشان می‌دهد که این آموزش‌ها عمدتاً بر روی شیوه‌های مقابله با استرس متمرکز بوده است (Papageorgiou, Loke, & Fromage, 2017)؛ بنابراین در تبیین این پژوهش، برای آموزش صلح در راستای افزایش مهارت‌های ارتباطی، مشاهده شد که دانشجویانی که در اثر نداشتن افکار منسجم نسبت به خود و توانایی‌های خود دچار استرس در بیان و ایجاد ارتباط بودند، بعد از داستان‌هایی که باعث کشف ارزش هر شخص از طریق بررسی خود و دیگران بود به آرامشی درونی رسیدند.

در جایی که دانشجومعلم‌ان دختر به عقاید و نظرات دیگران پی می‌برند، متوجه می‌شوند که همان مقدار که ما برای عقاید خود ارزش قائلیم نظرات دیگران نیز برای آنها ارزشمند است و درک این موضوع کمک می‌کند که وقتی به تفاوت عقاید نسبت به دیگران

می‌رسیم، به‌جای تعصب و خشم، افکار و امیال خویش را تحت کنترل خود درآوریم و با مهارت‌های ارتباطی مؤثر، در همزیستی مسالمت‌آمیز بکوشیم؛ بنابراین، زمانی که دانشجو در تصویر طرف مقابل قرار می‌گیرد و به احساس او فکر می‌کند و درنهایت به افکار او می‌رسد، خود را در برخورد نادرست کنترل می‌نماید؛ مگر صلح و دوستی درخواستی بیش از این دارد.

به‌صورت کلی می‌توان گفت از آنجایی که اکثر مشکلات اساسی جوامع بشری ناشی از جنگ، خشم، پرخاشگری و استرس است، آموزش نوع دوستی، درک دیگران، همدلی، درک درون فرهنگی در محیط‌های دانشگاهی و آموزشی برای ایجاد خودکنترلی و مهارت ارتباطی صحیح، باعث جلوگیری از پرخاشگری و خشم در دانشجومعلم‌ان دختر می‌شود که درنهایت در حالت جهانی منجر به ایجاد شبکه صلح جهانی خواهد شد؛ بنابراین آموزش و پرورش هر کشوری باید با طراحی و تدوین برنامه‌ها و کتب درسی، ابتدا دانشجومعلم‌ان و در ادامه دانش‌آموزان خود را به مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز زندگی، از جمله مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی مجهز نمایند.

محدود بودن جامعه پژوهش حاضر به دانشجومعلم‌ان دختر از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی و سطح اجتماعی - اقتصادی دانشجومعلم‌ان در زمان ورود به مداخله، محدودیت دیگری است که ممکن است نتایج پژوهش را تحت الشعاع قرار داده باشد؛ بنابراین، براساس این محدودیت‌ها پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آتی بر روی پسران انجام شود و نتایج آن با نتایج این مطالعه مقایسه شود. با عنایت به حائز اهمیت بودن موضوع به مسئولان و برنامه‌ریزان نظام آموزشی پیشنهاد می‌گردد با برگزاری کارگاه‌های عملی آموزش صلح موجب ارتقای مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی دانشجویان گردند؛ به این معنی که هر سال برنامه‌های مختلفی در قالب آموزش ضمن خدمت برای معلم‌ان و برنامه‌های فرهنگی دیگر برای دانشجومعلم‌ان تدارک دیده شود و به این موضوع توجه شود که قرار دادن برنامه آموزشی صلح در محتوای برنامه درسی این اقشار می‌تواند به هرچه غنی‌تر شدن اطلاعات دانشجویان و معلم‌ان در این زمینه کمک نماید. با توجه به نتایج به دست آمده در انجام این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که برای افزایش مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی در بین دانشجومعلم‌ان دختر، از همان ابتدا سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های آموزشی بر محور صلح و آشتی بنا شود. از آنجایی که





اکثر مشکلات اساسی جوامع بشری ناشی از جنگ، خشم، پرخاشگری و استرس می‌باشد، آموزش نوع دوستی، درک دیگران، همدلی و درک درون فرهنگی در محیط دانشگاه، می‌تواند برای ایجاد خودکنترلی و مهارت ارتباطی صحیح مؤثر واقع شود و در نهایت به ایجاد شبکه صلح جهانی منجر خواهد شد.

در پایان، بدین وسیله پژوهشگران از کلیه دانشجومعلم‌ان شرکت کننده در این پژوهش به خاطر صبر، بردباری و همکاری نهایت تقدیر و تشکر را دارند.



## منابع و مآخذ

- ابوالمعالی، خدیجه؛ رستمی، امیرمسعود و بوستان، افسانه. (۱۳۹۵). **یادگیری زندگی باهم؛ برنامه بین‌مذهبی و بین‌فرهنگی برای آموزش‌های اخلاق**. تهران: نشر علم.
- بنی‌اسدی، محمد؛ پورشفاعی، هادی و عباسی، زهره. (۱۳۹۸). «**رابطه و ویژگی‌های شخصیتی والدین با خوش‌بینی و مهارت ارتباطی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی**». **پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره**. ۱۱(۱۱): ۱۶-۲.
- تاجیکی، شهربانو و صفرپور دهکردی، سپیده. (۱۳۹۷). «**تأثیر بازی‌های مجازی بر رفتار شهروندی، خودکنترلی و مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر شیراز**». **رهبری و مدیریت آموزشی**. ۱۲(۳): ۸۶-۷۱.
- حاجی‌زاده، هانیه و کرمی، مرتضی. (۱۳۹۳). «**تحلیل برنامه درسی قصدشده و اجراشده دوره راهنمایی براساس مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو**». **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**. ۱۱(۱۵): ۹۲-۱۰۹.
- حسین‌چاری، مسعود و فداکار، محمدمهدی. (۱۳۸۴). «**بررسی تأثیر دانشگاه بر مهارت‌های ارتباطی براساس مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان**». **دانشور رفتار**. ۱۲(۱۵): ۳۲-۲۱.
- دریساوی، سمیه و فقیهی، علی‌نقی (۱۳۹۲). «**بررسی عوامل ضعف خودکنترلی از منظر قرآن کریم**». **معرفت اخلاقی**. ۴(۱): ۹۲-۷۵.
- رستمی، امیرمسعود؛ احدی، حسن؛ ابوالمعالی، خدیجه‌السادات و درتاج، فریبرز. (۱۴۰۰). «**اثربخشی آموزش صلح بر سرمایه روان‌شناختی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول**». **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش**. ۱۴(۱): ۳۵۲-۳۴۲.
- زمانی کوخالو، لیلیا؛ سپاه‌منصور، مژگان و ابوالمعالی، خدیجه. (۱۴۰۰). «**اثربخشی آموزش صلح بر شایستگی تحصیلی و جهت‌گیری مثبت دانش‌آموزان نسبت به مدرسه**». **پژوهش در نظام‌های آموزشی**. ۱۵(۵۳): ۵۵-۴۰.
- شمشیری، بابک و اسدی، حسن. (۱۳۹۸). «**ضرورت بازاندیشی در برنامه‌های آموزش صلح (با رویکردی میان‌فرهنگی)**». **آموزش پژوهی**. ۵(۴): ۷۱-۵۵.
- صابری نیک، زینب و گل‌مکانی، زهرا. (۱۳۹۷). «**ارزیابی مؤلفه‌های جو سازمانی و میزان تأثیر آن بر خودکنترلی دانش‌آموزان**». **پویش در آموزش علوم انسانی**. ۴(۱۳): ۸۵-۷۴.
- کاظم‌پور، اسماعیل و باباپور واجاری، مریم. (۱۳۹۶). «**تأثیر آموزش صلح بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان**». **رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**. ۸(۴): ۸۲-۶۵.
- محمدی، علی و علی‌نژاد، فاطمه. (۱۳۹۶). «**تحلیلی بر مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان مؤلفه اصلی زمینه‌ساز توسعه صلح و دوستی در کتب درسی (مطالعه موردی: کتاب‌های تعلیمات اجتماعی چهارم، پنجم و ششم ابتدایی بخش مدنی)**». **رویش روانشناسی**. ۶(۳): ۲۲۴-۲۰۵.

- محمدی، مهدی؛ شفیعی، مریم؛ خوشبخت، فریبا و جمال‌آبادی، منا. (۱۳۹۵). «مطالعه تجربی تأثیر برنامه درسی صلح‌محور بر مدیریت خشم کودکان پیش‌دبستانی». *مطالعات برنامه درسی*. ۱۱(۴۲): ۵۳-۹۴.
- مرزوقی، رحمت‌الله؛ محمدی، مهدی؛ شمشیری، بابک و دادگر، همایون. (۱۳۹۶). «تدوین برنامه درسی صلح در آموزش عالی؛ یک مطالعه کیفی». *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*. ۱۰(۵): ۳۸۴-۳۹۶.
- نیکنامی، شمس‌الدین؛ حیدرنیا، علیرضا و وکیلی، مسعود. (۱۳۹۰). *ارتباط شناسی و مهارت‌های ارتباطی میان فردی*. زنجان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان.
- همتی علمدارلو، قربان. (۱۳۸۳). «تأثیر آموزش خودکنترلی بر بهبود بخشی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- Brauneis, M. N. (2019). "The effects of peace education on children's prosocial behavior in an early childhood classroom". Thesis for masters of Arts in Education Action Research Papers in St. Catherine University.
- Çetin, D. (2023). "The Relationship Between the Emotional Literacy Skills and Communication Skills of Pre-Service Turkish Teachers". *I J of Progressive Education*. 19(1): 187-204.
- Gillebaart, M. (2018). "The 'operational' definition of self-control". *Frontiers in psychology*. 9:1231.
- Jaiswal, S. K. & Choudhuri, R. (2017). "A review of the relationship between parental involvement and students' academic performance. *The International Journal of Indian Psychology*. 4(3): 110-123.
- Jerabek, I. (2004). "Communication skills inventory revised". *I J of Management Studies*. 7(3): 175-182.
- Kendall, P. C. & Wilcoxon, L. E. (1979). "Self-control in children: development of a rating scale". *Journal of Consulting and Clinical psychology*. 47(6):1020.
- Kester, K. (2023). "Global citizenship education and peace education: toward a postcritical praxis". *Educational Philosophy and Theory*. 55(1): 45-56.
- Lee, K.; Ng, S. F. & Bull, R. (2018). "Learning and solving algebra word problems: The roles of relational skills, arithmetic, and executive functioning". *Developmental psychology*. 54(9): 1758.
- Mayer, J. D.; Caruso, D. R. & Salovey, P. (2016). "The ability model of emotional intelligence: Principles and updates". *Emotion review*. 8(4): 290-300.

- Mei, S.; Yau, Y. H.; Chai, J.; Guo, J. & Potenza, M. N. (2016). "Problematic Internet use, well-being, self-esteem and self-control: Data from a high-school survey in China". *Addictive behaviors*. 61: 74-79.
- Papageorgiou, A.; Loke, Y. K. & Fromage, M. (2017). "Communication skills training for mental health professionals working with people with severe mental illness". *Cochrane Database of Systematic Reviews*. 13(6): 20-28.
- Pirutinsky, S. (2014). "Does religiousness increase self-control and reduce criminal behavior? A longitudinal analysis of adolescent offenders". *Criminal Justice and Behavior*. 41(11): 1290-1307.
- Sagkal, A. S.; Turnuklu, A. & Totan, T. (2012). "Empathy for Interpersonal Peace: Effects of Peace Education on Empathy Skills". *Educational Sciences: Theory and Practice*. 12(2): 1454-1460.
- Uko, E. S., Igbneweka, P. O., & Odigwe, F. N. (2015). "Promoting Peace Education for Behaviourial Changes in Public Secondary Schools in Calabar Municipality Council Area, Cross River State, Nigeria". *J Education and Practice*. 6(23): 144-149.